

Character Training in Online Teaching (Based on the Theory of Character Training by Thomas Likona)

Elham Chliat.
Sadigheh Karimi Fard.

Abstract:

The purpose of this study is to deduce the methods of character training in online teaching based on the theory of character training of Thomas Likona. This research has been done by inferential analytical method. Therefore, first we have explained the concept of character training and then we have deduced the methods of character training based on Likuna theory by deductive method. According to Likona, character training is a deliberate effort to help people understand, care for, and act on genuine moral values. There are three steps to internalizing any value: ١. Moral knowledge; ٢. Ethical attitude ٣. Ethical action. To train students' character in online teaching and internalize the values in them, exploratory and participatory approaches can be used in teaching, and by creating a suitable ground for discussing moral concepts and their practical practice, as well as a suitable model for conceptualizing and institutionalizing moral values. گماشت. Applying open-ended or problem-oriented stories as well as ethical stories in a research community and group discussion with peers about them can also be fruitful. It should also be noted that in the course of education, social studies and thinking and lifestyle, it was not enough to convey moral concepts, and in the course of other courses, it also conveyed the moral concepts related to each course to the students. In order to cultivate the dimension of moral action, it is necessary to provide the necessary ground for students to face the consequences of their actions, in order to gradually create motivation and inner commitment to values in the individual

Keywords: moral education, character training, online teaching, Thomas Likona, curriculum

تربیت منش در تدریس برخط (مبتنی بر نظریه تربیت منش توماس لیکونا)

الهام چلیات^۱

صدیقه کریمی فرد^۲

صص ۳۴-۴۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۹

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر استنتاج روشهای تربیت منش در تدریس برخط مبتنی بر نظریه تربیت منش توماس لیکونا است. این پژوهش به روش تحلیلی استنتاجی انجام گرفته است. لذا ابتدا به تبیین مفهوم تربیت منش پرداخته سپس به روش استنتاجی روشهای تربیت منش را مبتنی بر نظریه لیکونا استنتاج کرده‌ایم. به تعبیر لیکونا تربیت منش تلاش عمدی برای کمک به افراد، جهت درک ارزشهای اخلاقی اصیل، مراقبت از آنها و عمل بر مبنای آنهاست. برای درونی شدن هر ارزش سه مرحله وجود دارد: ۱. دانایی اخلاقی؛ ۲. نگرش اخلاقی ۳. عمل اخلاقی. برای تربیت منش دانش‌آموزان در تدریس برخط و درونی کردن ارزش‌ها در آنها میتوان از رویکردهای اکتشافی و مشارکتی در تدریس استفاده نمود و با ایجاد زمینه مناسب برای گفتگو در زمینه مفاهیم اخلاقی و تمرین عملی آنها و همچنین الگودهی مناسب به مفهوم سازی و نهادینه‌سازی ارزشهای اخلاقی همت گماشت. به کارگیری داستان‌هایی با پایان باز یا مسأله‌محور و همچنین داستان‌های اخلاقی در یک اجتماع پژوهشی و کندوکاو و گفتگوی گروهی با همسالان پیرامون آنها نیز میتواند مثرتر باشد. همچنین باید توجه داشت که تنها در درس معارف، مطالعات اجتماعی و تفکر و سبک زندگی به انتقال مفاهیم اخلاقی بسنده نکرد و در زنگ دروس دیگر نیز مفاهیم اخلاقی مرتبط با هر درس را به دانش‌آموزان منتقل نمود. برای پرورش بعد عمل اخلاقی نیز باید زمینه لازم برای مواجهه دانش‌آموزان با نتایج اعمالشان را فراهم کرد تا از این طریق کم‌کم انگیزه و الزام درونی نسبت به ارزش‌ها در فرد ایجاد شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، تربیت منش، تدریس برخط، توماس لیکونا، برنامه درسی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

تربیت اخلاقی یکی از عمده انتظاراتی است که از نظام های آموزشی در سراسر جهان می رود. در طول حیات انسان، این انتظار همواره بر دوش او احساس شده است. تربیت اخلاقی به عنوان امری بسیار مهم و هدف رسالت انبیا نیز مطرح بوده است. پیامبر اکرم (ص) در گفته های گهربار خویش هدف رسالت و نبوت خود را اتمام مکارم اخلاق بیان می دارند. به همین جهت اخلاق را یکی از بخش های مهم، عمده و اساسی معارف اسلامی دانسته اند.

علاوه بر ادیان الهی، فیلسوفان پیشین، نظیر سقراط، افلاطون و ارسطو نیز هدف اصلی آموزش و پرورش را پروردن انسانهایی با اخلاق حمیده و آراسته به هنرهای اخلاقی؛ مانند دانایی، دادگری، جرئت و خویشتن داری معرفی کرده اند (پاک سرشت، ۱۳۸۰).

از میان فیلسوفان معاصر، کسانی مانند اسپینوزا و روسو اخلاق را به عنوان جنبه برتر انسان ستوده اند. کانت ارجمندی انسان را منوط به اخلاق او دانسته و ضمن تأکید بر تقدس قانون اخلاقی، تربیت اخلاقی را آخرین و عالی ترین سطح تربیت می داند (شکوهی، ۱۳۷۴).

وقتی بحث از تربیت اخلاقی پیش کشیده می شود این سوال در ذهن مطرح می گردد که هدف ما از این نوع تربیت چیست و انسان با این نوع تربیت بنا دارد تا به چه مقصد و جایگاهی دست پیدا کند؟ باتوجه به اهمیت مساله تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان به خصوص در عصر جدید که به علت پیشرفت علم و فناوری انسان در معرض برخورد با انواع و اقسام بینش ها و نگرش ها و فرهنگ ها قرار میگیرد؛ اهمیت تربیت اخلاقی کودکان صدچندان میشود، در برهه کنونی که به علت شیوع بیماری کوئید ۱۹، آموزش به صورت مجازی دنبال می شود و ارتباط چهره به چهره میان معلم و دانش آموزان وجود ندارد، این سوال مطرح میشود که در تدریس برخط چگونه میتوان در کنار بعد تعلیم از بعد تربیت به خصوص تربیت اخلاقی نیز غافل نشد و این مسئولیت خطیر را که بخشی از آن برعهده نظام آموزش و پرورش است انجام داد. لذا در پژوهش حاضر ما یکی از نظریات تربیت اخلاقی معاصر یعنی نظریه تربیت منش توماس لیکونا را مبنا قرار داده و به استنتاج روش های تربیت منش در تدریس برخط می پردازیم.

تربیت اخلاقی از منظر افلاطون

نظریه تربیتی افلاطون بر محور فضیلت و سجایای اخلاقی دور می زند و هدف تربیت چیزی جز رشد این فضایل در انسان نیست (حسینی، ۱۳۷۹). افلاطون خود می گوید: "تعلیم و تربیت انسان صالح به وجود می آورد و انسان صالح فضیلت مآبانه عمل می کند" (همان). در واقع نظریه تربیتی افلاطون بر این فرض استوار است که تعلیم و تربیت انسان های با فضیلت را به وجود می آورد و این انسان های با فضیلت و واجد سجایای اخلاقی اند که قادرند یک جامعه مطلوب و متعالی بسازند (همیلتون، ۱۹۵۷).

معنای تربیت برای افلاطون با تربیت اخلاقی و روکردن انسان به سوی امور ارزشمند معنا پیدا می کند (میرزا محمدی، ۱۳۸۱). رسیدن به فضائل اخلاقی تنها از راه تربیت و کسب شناخت درست ممکن می گردد (همان). بنابراین، افلاطون همانند استادش سقراط معتقد است که فضیلت معرفت است (همان). افلاطون در رساله جمهوری از چهار فضیلت بنیادین اخلاقی شامل جرات، عدالت، خویشتن داری و دانایی نام برده و نیل به آن ها را برای فرد و جامعه ضروری می داند (همان). از نظر وی نفس انسان از سه بخش شهوت، اراده و عقل تشکیل شده و برای هر بخش نیز فضیلتی از فضایل فوق قابل تعریف است و او رسیدن به فضائل اخلاقی را برای شهر نیز ممکن و لازم می داند؛ و با توجه به ابعاد نفس انسان، در شهر نیز سه طبقه زمامداران، جنگاوران و تولیدکنندگان را تعریف می کند و برای هر یک نوعی از فضائل را در نظر می گیرد (همان).

تربیت اخلاقی از منظر ارسطو

ارسطو هدف تعلیم و تربیت را دستیابی به سعادت می داند و رسیدن به هدف را در اعتدال و میانه روی می بیند. از منظر ارسطو، سعادت عبارت است از به کار انداختن و به کار بردن فضیلت به طور کامل و نیز به نحو مطلق نه نسبی به زعم وی فضیلت و نیکی از سه چیز پدید می آید؛ منش، عادت و خرد(ارسطو، ۱۳۸۱).

هدف ارسطو از تعلیم و تربیت نیز فضیلت مند ساختن انسان است تا بدین وسیله آدمی به نیکیبختی که همانا هدف زندگی همه ی آدمیان است هدایت شود(مالک و نایب، ۱۳۹۱).

ارسطو در کتاب اول اخلاق نیکوماخوس این پرسش را صریحاً مطرح کرده و می گوید: آیا نیکیبختی از راه آموزش بدست می آید یا از راه عادت و یا اینکه هدیه ای الهی است. وی معتقد است نیکیبختی یکی از بهترین موهبت هاست ولی به طور مستقیم از طرف خدایه انسان بخشیده نمی شود، زیرا اگر صرفاً هدیه ی خدا بود تنها چند تنی از برگزیدگان از آن بهره مند می شدند در صورتی که نیکیبختی درحقیقت غایت فضیلت است و همه کسانی که استعداد و توانایی در خوری دارند آن را به چنگ می آورند(ارسطو، اخلاق نیکوماخوس: ۱۰۹۹ب و ۱۱۰۰الف).

آدمی به طور طبیعی و فطری استعداد کسب فضیلت را دارد اما خود فضیلت، طبیعی و فطری نبوده و هیچ یک از فضیلت‌های اخلاقی نیز فطری نیستند و البته بر خلاف سرشت و فطرت انسان هم نیست بلکه آنچه فطری است استعداد تحصیل فضیلت است که این استعداد با عادت، فعلیت و کمال می یابد(همان).

تربیت اخلاقی از منظر کانت

برای یافتن به ژرفای اندیشه کانت درباره اخلاق باید به نوشته های اخلاقی او نگریست(نقیب زاده، ۱۳۹۶). با نگرستن از این دیدگاه، می توانیم بگویم بنیاد کردار اخلاقی بر گزینش و از این رو بر آزادی است(همان). از این دیدگاه، آنچه تربیت اخلاقی می نامیم فقط و فقط فراهم آوردن زمینه ای است برای کردار اخلاقی و نه بیش؛ زمینه ای برای بیدارشدن و به کار آمدن وجدان انسانی و این زمینه همان است که کانت منش (character) می نامد و پرداختن به آن را نخستین گام تربیت می شمارد(همان). بنیاد تربیت اخلاقی نباید بر تشویق و تنبیه باشد زیرا این کار ارزش های اخلاقی را تا سطح خوشایند و ناخوشایند پایین می آورد و این باعث می شود کودکی که کار نیک را از آن رو که پاداشی خوشایند دارد بر می گزیند پس از آنکه به دنیای بزرگ تر گام نهاد و با این واقعیت روبه رو گردید که کار نیک چه بسا به نتیجه های ناخوشایند و ناسودمند می انجامد، از آن رویگردان خواهد شد و راهی را در پیش خواهد گرفت که پاداشی خوشایند داشته باشد(همان).

تربیت اخلاقی از منظر دورکیم

دورکیم به تربیت اخلاقی و غیردینی صرف و مبتنی بر عقل و احساس تکلیف پایبند است و عناصر این اخلاق را احساس اقتدار و قاعده اجبار و نیز احساس وابستگی به گروه های اجتماعی و سرانجام احساس آزادی اراده یا پیروی آزادانه از قواعد اجتماعی و اخلاقی معقول و منطقی می داند و بنابراین هدف تربیت اخلاقی از نظر او ایجاد احساس های سه گانه در کودک است و او کودک را برای قبول اقتدار آماده می بیند و می گوید کودک به دلیل طبیعت ناآبیت خود زود حرف مریبان خود را می پذیرد و به کارهایی که به او تکلیف می شود عادت می کند(کاردان، ۱۳۹۷).

تربیت اخلاقی از منظر دیویی

دیویی مانند جامعه شناس هم عصر خود دورکیم آموزش و پرورش را امری اجتماعی و مدرسه را جامعه ای کوچک می شمارد و تربیت را از لوازم بقا و پیشرفت جامعه و نهادهای آن تلقی می کنند(کاردان، ۱۳۹۷). دیویی بر این عقیده است که تربیت اجتماعی و تربیت اخلاقی دو روی یک سکه اند و اگر امور مدرسه درست سامان داده شود، یعنی در آن زمینه های لازم برای تمرین دموکراسی فراهم باشد، فعالیت های آن به تربیت اجتماعی و اخلاقی هر دو منتهی خواهد شد(همان). در مدرسه ای که با شیوه دموکراتیک اداره شود، معلم عقاید خود را به دانش آموزان تحمیل نمی کند بلکه در همه کارها، حتی در تعیین برنامه، آنان را به همکاری و مشارکت فرا میخواند و این خود زمینه تربیت اخلاقی است(همان). البته به نظر دیویی نشان اخلاقی بودن جامعه دموکراتیک آن است که چنین جامعه ای دامنه تجربه را تا آنجا گسترش دهد که جوانان را در حل و فصل عاقلانه مسائل اجتماعی سهیم نماید(شاتو ۱۳۵۵، ص ۳۱۳).

تربیت اخلاقی از منظر اسلام

راه کار اسلام برای تربیت اخلاقی حاوی سه اصل اساسی و مهم است که اصل اول حق انتخاب انسان در طول زندگی است و آن اختیار بشر در این که کدام راه را برگزیند که نهایت احترامی است که خداوند به انسان گذاشته است بعد از آن دومین اصل در نظام اخلاقی اسلام، این است که انسان دارای مطلوب نهایی است که انسان در این نظام پوچ گرا و ولنگار نیست و تمام کارهایش بر اساس عنصر «مطلوبیت» پایه ریزی شده است که مطلوب مورد نظر انسان، مطلوبیت و خاستگاهی ذاتی است(مصباح، ۱۳۷۶). سومین اصل تاثیر تلاش انسان در وصول به هدف است که اعتقاد به این اصل و آگاهی از تاثیر اعمال و رفتار انسان نسبت به سرنوشت وی برای وادار کردن شخص به حرکت و تلاش در مسیر اهداف عالی اخلاقی، لازم و ضروری خواهد بود(همان). این اصل نشان می دهد که تلاش هدر نمی رود و نتیجه بخش خواهد بود هم چنین بیانگر این(همان).

تربیت اخلاقی از منظر توماس لیکونا

همانطور که در سطرهای قبل اشاره شد در زمینه تربیت منش و تربیت اخلاقی نظریات و دیدگاه های گوناگونی مطرح شده اند که هر کدام مبتنی بر مکتب خاصی شکل گرفته اند. در این میان از بین نظریات معاصر در زمینه تربیت اخلاقی نظریه تربیت منش توماس لیکونا که در بین سایر دیدگاه ها متعادل تر بوده و به جنبه ها و ساحت های مختلف آدمی توجه داشته و به دیدگاه اسلامی نیز نزدیک است مورد توجه قرار گرفته است.

توماس لیکونا اندیشمند معاصر متأثر از فیلسوفان فضیلت گرای یونان نظریه تربیت منش خود را در خصوص تربیت اخلاقی ارائه داد. وی در زمینه تربیت منش معتقد بود که : تربیت منش و شخصیت، تلاش سنجیده، منظم و عملی برای کاشت فضیلتها است که به صورت واقعی، انسانها دارای شخصیتی خوب و پسندیده برای خود و جامعه می شوند. تربیت منش و شخصیت به صورت اتفاقی تحقق نمی یابد بلکه به صورت نتیجه و تلاشی سخت به دست می آید (نیل ، به نقل از لیکونا ، ۱۹۹۱).

وی معتقد است برای اینکه افراد را با منش متعالی بار بیاوریم باید تربیت ما سه حیطة دانش ، نگرش و کنش را شامل شود به عبارتی باید ابتدا دانایی اخلاقی لازم نسبت به مسائل و ارزشهای اخلاقی در افراد ایجاد کنیم ، سپس با اتخاذ روشهای مناسب به ایجاد نگرش مثبت و نهادینه سازی این ارزشها در افراد اهتمام بورزیم تا در مقام عمل مطابق این ارزشها عمل نمایند. در این پژوهش ما به بررسی مفهوم تربیت منش از منظر لیکونا و بررسی اصول و روشهای آن میپردازیم و نحوه پیاده سازی این نظریه را در آموزش مجازی و در کلاس های برخط بررسی خواهیم کرد.



روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. تحقیقات کاربردی در جستجوی هدف عملی هستند (دلاور، ۱۳۸۴: ۴۹) و درصدد هستند تا به بهبود فرآیندهای اجرایی و افزایش کارایی آنها کمک نمایند. در این پژوهش نیز ما به دنبال آن هستیم که برنامه‌ای عملی در زمینه تربیت منش در تدریس برخط ارائه دهیم و سعی کنیم خلاهای ناشی از تدریس مجازی را کاهش دهیم. روش پژوهش تحلیلی استنتاجی می‌باشد و جهت جمع آوری داده‌ها از تکنیک کتابخانه‌ای استفاده شده است. از رویکرد تحلیلی در پژوهش حاضر به منظور تحلیل مفهوم و شناخت مؤلفه‌های اساسی تربیت منش استفاده شده است. بخش پایانی پژوهش نیز به روش استنتاجی پیش‌رونده است. جوهره دیدگاه استنتاجی آن است که پیشاپیش، یک مکتب فلسفی را پذیرفته، آن‌گاه آموزه‌های تربیتی مربوط به آن استخراج شود (کیانی وصادق زاده قمصری، ۱۳۹۰: ۱۲۲). بر این اساس ما با توجه به نظریه تربیت منش لیکونا روش‌های تربیت منش در تدریس برخط را استنتاج نموده‌ایم.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در دنیای پیچیده امروز که عصر اطلاعات و فناوری هاست بشر با پیچیدگی‌های زیادی مواجه شده است و در تلاش برای پاسخ به این مساله است که چه نسبتی میان انسان و فناوری وجود دارد. آنچه مسلم است این است که تکنولوژی و فناوری ساخته دست بشر و برای خدمت به انسان جهت رفع نیازهای اوست، اما وقتی به جهان پیرامون خود می‌نگریم می‌بینیم به جای اینکه تکنولوژی در خدمت انسان باشد، انسانها را چنان غرق در ابعاد گوناگون و جلوه‌های رنگ رنگ این مخلوقشان کرده که به جای به خدمت گیری آن جهت رفع نیازها و حل مشکلات، خود چالشی برای بشر امروز شده است. البته خدمات تکنولوژی و فناوری را نمیتوان نادیده گرفت، اما چالش‌هایی نیز به همراه داشته است که انسان امروز را با بحران‌هایی جدی مواجه ساخته است، بحران‌هایی همچون از خودبیگانگی و بحران هویت، احساس پوچی و از دست دادن معنای زندگی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های پایه در جوامع و ... لذا برای اینکه نسل امروز ما در مواجهه با مسائل مختلف به شیوه‌ای عقلانی و منطقی عمل کند باید به تربیت ساحت‌های گوناگون او پرداخت. یکی از این ساحت‌ها بعد اخلاقی تربیت انسان است و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهایش ناگزیر به ارتباط با دیگر هم‌نوعانش است، مساله چگونگی برخورد و تعامل او با دیگران اهمیت پیدا می‌کند که میتوان این مساله مهم را در ذیل تربیت اخلاقی گنجانند و از طریق تربیت اخلاقی به رشد و توسعه فضایل اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی همت گماشت. باید کودک را چنان پروراند که در میان هجوم بادهای مسموم، ریشه‌هایش در زمین اخلاق متعالی چنان سخت و استوار ریشه دوانده باشد که هجوم ناملیمات در زندگی، شبهات و خرافات و ... ذره‌ای او را متزلزل نسازد. اما اینکه چگونه میتوان کودک را با اخلاقی متعالی پروراند موضوعی است که در این پژوهش به آن می‌پردازیم.

باتوجه به اهمیت مساله تربیت اخلاقی نسل کودک و نوجوان به ویژه در برهه‌ای که خواه ناخواه افراد در اقیانوسی از اطلاعات و ارتباطات و پیچیدگی‌های عصر کنونی غوطه ورنند و به علت شرایط پیش آمده در خصوص بیماری کوید ۱۹ و تدریس برخط و حضور کودکان و نوجوانان در فضاهای مجازی اهمیت این مساله صدچندان میشود. این مساله از چند بعد دارای اهمیت است اول نحوه مواجهه کودکان و نوجوانان با این فضا و قرار گرفتن در معرض حجم عظیمی از اطلاعات و ارتباط با افراد مختلف است که جدا از مسائل اجتماعی و فرهنگی که در پی دارد آنها را با چالش‌های اخلاقی نیز مواجه میکند؛ نه تنها دانش آموزان بلکه معلمان هم به گونه‌ای در این فضا با انواع مسائل اخلاقی مواجه هستند و باید دانایی اخلاقی لازم برای مواجهه با چنین موقعیت‌هایی را داشته و رفتار اخلاقی مناسب را بروز دهند.

وجه دیگر این مساله هم این است که هرچند آموزش به شکل مجازی دنبال می‌شود و به علت عدم برقراری رابطه چهره به چهره با محدودیتهایی در آموزش مواجه هستیم اما باید توجه کرد که نمیتوان از ابعاد مختلف تعلیم و تربیت کودکان از جمله تربیت اخلاقی آنان غفلت کرد. لذا می‌بینیم که همه معلمان با شرایط پیش‌بینی نشده و جدیدی مواجه شده‌اند و این سوال برای همه معلمان مطرح است که در تدریس مجازی چگونه میتوان

ابعاد مختلف تعلیم و تربیت را مورد توجه قرار داد؟ چگونه میتوان تربیت ساحت‌های گوناگون انسان از جمله ساحت جسمانی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و ... را به انجام رساند. در این پژوهش ما قصد داریم به بررسی تربیت اخلاقی بپردازیم و ببینیم که در آموزش مجازی چگونه میتوان در کنار آموزش مفاهیم درسی به تربیت اخلاقی نیز همت گماشت. در این زمینه از میان نظریات مختلفی که در زمینه تربیت اخلاقی وجود دارد ما نظریه تربیت منش توماس لیکونا را به علت قرابت با آموزه‌های دینی اسلام انتخاب نموده‌ایم و تلاش می‌کنیم بر مبنای آن روش‌هایی برای تربیت اخلاقی و منش دانش‌آموزان در تدریس برخط ارائه دهیم.

تربیت منش

منش مجموعه‌ای از خصایص نسبتاً ثابتی است که با عمل مرتبط است. یعنی چیزی بیش از مهارت در استدلال بوده، علاوه بر باورها، شامل انگیزش مناسب، قدرت اراده برای کنترل عواطف و مقاومت در برابر خواسته‌های نامعقول است و از راه تکرار و تمرین رفتارهای اخلاقی که سبب پیدایش عادات اخلاقی مناسب میشوند، به دست می‌آید. لذا فردی با تربیت صرف علمی، استواری کمتری دارد از فردی که در زمینه تصمیم‌گیری یا پایداری، مهارت آموزی و تمرین کرده باشد (کار، ۱۹۹۹: ۱۳۹-۱۴۰ به نقل از وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱). تربیت منش نیز عبارت است از: تلاش عمدی برای کمک به افراد، جهت درک ارزشهای اخلاقی اصیل، مراقبت از آنها و عمل بر مبنای آنها (لیکونا، ۱۹۹۳: ۷۰).

رویکرد منش‌پروری، یکی از رویکردهای مهم در قلمروی آموزش ارزش‌ها است که از سال ۱۹۹۳ توسط اندیشمندی به نام توماس لیکونا در غرب گسترش یافت. این دیدگاه بر تعیین و تثبیت ارزشها از جانب بزرگان فرهنگی - اجتماعی و یا توسط نهادهای آموزشی، تربیتی، مذهبی، فرهنگی و احیاناً سیاسی اصرار می‌ورزد که به نوعی در نظر فراگیران از اعتبار و مزیت لازم برخوردارند (رهنمایی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

این الگو در سه حوزه سه شکل گرفته که عبارت است از: دانایی اخلاقی (فعالیت‌های دانشی که به افزایش دانایی اخلاقی ناظر است)، احساس و نگرش اخلاقی (فعالیت‌هایی که به افزایش احساس اخلاقی ناظر است) و رفتار اخلاقی (فعالیت‌های رفتاری که به شکل‌گیری رفتار اخلاقی ناظر است) (رضایی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

الگوی لیکونا سه جنبه شناختی، عاطفی و عملی را تلفیق میکند. تقویت خودانضباطی و خودکنترلی یک راهبرد اساسی است و مهارت آموزی، تمرین اعمال اخلاقی و ایجاد عادات نیک، اصول مهمی محسوب میشوند. البته رشد توانایی داوری و تصمیم‌گیری مستقل (نه پیروی ماشین‌وار از قوانین کلی اخلاقی) نیز اهمیت دارد. دانش آموز باید به بصیرت اخلاقی برسد؛ یعنی علاوه بر اجتماعی شدن و تبعیت از ارزشها، یاد بگیرد که نظرات غیر اصولی عاملان اخلاقی را نپذیرد و در اعمال ناعادلانه نیز مشارکت نکند (غفاری، ۱۳۸۵: ۳۴).

ارزش‌های مورد تاکید این دیدگاه که به نگرش اسلامی نیز در زمینه تربیت اخلاقی نزدیک است شامل حرمت قائل شدن برای زندگی و آزادی، از احساس مسئولیت نسبت به دیگران برخوردار بودن، صداقت داشتن، انصاف به خرج دادن، تحمل کردن یکدیگر (تساهل)، احترام دیگران را نگه داشتن، خود منظم بودن، از انسجام فکری و عملی بهره مند بودن، مهرورزیدن (مهربانی)، عشق و محبت داشتن، دلیر و شجاع بودن است (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

اصول تربیت منش عبارتند از:

- ۱- ترویج ارزش‌های اساسی مانند غمخواری، صداقت، زیبایی دوستی و احساس مسؤولیت به عنوان موضوعات الزامی و مستقل از تفاوت‌های قومی و فرهنگی؛
- ۲- توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری تربیت؛
- ۳- جامع‌نگری (استفاده از همه ظرفیت‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه)؛



- ۴- ایجاد محیط صمیمی در مدرسه ؛
- ۵- ایجاد فرصت برای تکرار اعمال اخلاقی؛
- ۶- احترام و کمک به کلیه فراگیران با علایق، استعدادها و نیازهای متفاوت ؛
- ۷- تلاش برای پرورش انگیزه درونی برای انجام کارهای خوب (نه ترس از قانون یا انتظار پاداش)
- ۸- مشارکت تمام کارکنان مدرسه در تربیت اخلاقی؛
- ۹- حمایت مدیر آموزشی از برنامه تربیتی؛
- ۱۰- مشارکت والدین و نهادهای اجتماعی در برنامه های تربیتی؛
- ۱۱- ارزشیابی همه جانبه منش (در سه قلمرو شناختی، عاطفی و رفتاری) (آرمند، ۱۳۸۷ : ۹۸-۱۰۳).

در رویکرد تربیت منش از روش های شرح و سخنرانی، بحث کلاسی، پرسش و پاسخ، حل مسأله، داستان سرایی، یادگیری مشارکتی، ایفای نقش (برای کشف احساسات خود، رشد همدلی با دیگران و کسب بصیرت درباره واقعیت ها و ارزشهای اجتماعی) و روش تمرین عملی استفاده میشود (همان: ۱۰۴- ۱۱۰) که میتوان آنها را در راهنمایی مستقیم، الگودهی و تمرین عملی خلاصه نمود. (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۳ : ۵۳)

تربیت منش در تدریس برخط

همانطور که اشاره شد یکی از اصول تربیت منش مشارکت سه عنصر مهم یعنی خانواده، مدرسه و اجتماع در زمینه تربیت اخلاقی افراد است که هریک به نوعی در شکل گیری عادت های اخلاقی وی نقش مهمی دارند در این میان مدرسه، تربیت اخلاقی دانش آموزان را به عنوان یک کارکرد آشکار بر عهده داشته و درصدد است که این وظیفه مهم را از طریق اجرای برنامه ها و طرح های گوناگون در مقاطع مختلف تحصیلی از جمله طرح کرامت و مهارت های زندگی در مقطع ابتدایی، اجرای طرح های نظام مراقبت اجتماعی، یاریگران زندگی و ... به انجام برساند.

اما پرسش ما این است که در شرایط کنونی آموزشی که به علت شیوع بیماری کووید ۱۹ تدریس اغلب به صورت برخط یا آمیخته دنبال میشود چگونه میتوان به تربیت اخلاقی دانش آموزان همت گماشت؟ همانطور که اشاره شد نظریه تربیت منش برای تربیت افرادی با منش متعالی سه حیطه را مد نظر قرار میدهد: دانایی اخلاقی، نگرش اخلاقی و رفتار اخلاقی. با توجه به این سه حیطه ما روش های مناسب تربیت منش را در تدریس برخط بررسی خواهیم کرد.

روشهای مناسب جهت ایجاد دانایی اخلاقی

رفتارها و اعمال ما برخاسته از نوع بینش و گرایش ما نسبت به مسائل مختلف است. لذا برای اینکه ما در موقعیت های گوناگون رفتار اخلاقی مناسب را ارائه دهیم ابتدا باید دانایی لازم و بینش صحیح را در این خصوص به دست آورده باشیم. جهت پرورش قوه استدلال و بیان و ایجاد بینش صحیح در کودکان و نوجوانان بهتر است از رویکردهایی همچون رویکرد اکتشافی و مشارکتی و از روش های تدریسی همچون روشن سازی طرز تلقی و بارش مغزی و روش های گفتگومحور مثل پرسش و پاسخ سقراطی که به تقویت و پرورش مهارت های فکری کمک می کنند استفاده نمود؛ چرا که در تربیت اخلاقی ما به دنبال تلقین و القای ارزش ها نیستیم، ما به دنبال پرورش افرادی با استقلال اخلاقی هستیم تا بتوانند بر مبنای تفکر و خردورزی عمل نمایند.

در رویکرد اکتشافی و از طریق گفتگو ما به دانش آموزان این فرصت را می دهیم تا خود سازنده دانش و بینش خود باشند و از طریق گفتگو و نقد وارد کردن به دیدگاه های یکدیگر متوجه نقاط ضعف و قوت بینش خود در زمینه موضوعی خاص شوند و از این طریق به کمک هم به بینش صحیح و خردمندانه دست یابند. در این صورت میزان پایداری آنان به ارزش ها و باورهایی که خود با تفکر به آن دست یافته اند نیز برایشان قابل

قبول تر بوده و با انگیزه بیشتری هم به آن عمل می‌نمایند و همچنین به سطوح بالای شناختی، یعنی تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی دست می‌یابند.

در طی تدریس بر خط هم فرصت‌های مناسبی برای بحث و گفتگو میان دانش آموزان وجود دارد. برای ایجاد انگیزه و شروع بحث میتوان یک فیلم و انیمیشن مرتبط با موضوع مورد نظر و یا حتی داستان کوتاهی در گروه ارسال شود و پس از آن از دانش آموزان خواسته شود تا در رابطه با شخصیت‌های آن، موضوع داستان، وقایع و پیام اخلاقی آن صحبت نمایند. در این میان نقش معلم به عنوان یک راهبر و تسهیل کننده خواهد بود و در گفتگو شرکت ندارد، تنها از طریق پرسش‌های هدایت شده سعی می‌کند جریان بحث را در جهت اهداف مورد نظر هدایت کند و همچنین به حضور حداکثری افراد برای مشارکت در بحث اهتمام بورزد و همه افراد را به تفکر برانگیزد.

این الگو در حلقه‌های کندوکاو آموزش فلسفه به کودکان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد که از آن با عنوان اجتماع پژوهشی یاد می‌شود. در این زمینه باید توجه نمود که معلم باید سعی کند با مطرح کردن پرسش‌های مناسب یافته‌های دانش‌آموزان را به زندگی واقعی آنان پیوند دهد تا به تعمیم دانسته‌های خود در زندگی روزمره اقدام نمایند.

روش دیگر سیر و مطالعه آفاقی است بدین معنا که با نظر به پدیده‌های خلقت و تامل در آنها نکات اخلاقی نهفته را کشف نماییم مثلاً میتوان از خورشید بخشندهگی بی چشمداشت را آموخت و از رود تکاپو و تلاش و حرکت بی‌وقفه تا رسیدن به غایت کمال خویش. در تدریس مجازی از طریق اجتماع پژوهشی مجازی میتوان فرصتی فراهم کرد که دانش‌آموزان در هر یک از پدیده‌های خلقت نظر بیندازند و از هر کدام نکته‌ای اخلاقی برداشت کرده و بگویند. تلفیق این فعالیت با درس هنر می‌تواند بر غنای یادگیری دانش‌آموزان بیافزاید و در مفهوم‌سازی انتزاعی‌ترین و دشوارترین مفاهیم اخلاقی را نیز کمک نماید.

روشهای مناسب جهت ایجاد احساس و نگرش اخلاقی

لیکونا معتقد است که در تربیت اخلاقی و منش نباید به ایجاد شناخت اخلاقی بسنده کرد بلکه باید تلاش کرد از طریق تمرین عملی و الگودهی مناسب این شناخت را به ملکه و عادت اخلاقی تبدیل نمود. لذا در تدریس ما باید موقعیت‌هایی فراهم کنیم که دانش‌آموزان در زمینه مفاهیم اخلاقی به تمرین بپردازند. برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر استفاده از تمثیل و حکایت‌گویی برای آموزش مسائل اخلاقی و تمرین آنها بسیار مثرتر است. به ویژه اگر این قصه‌گویی با فعالیت‌های خلاقانه از جمله تقلید صدا یا به صورت تلفیقی با روش ایفای نقش انجام شود. همچنین میتوان در حین گفتن حکایت یا داستان یک کاردستی یا ماسک از یکی از شخصیت‌های داستان به صورت اوربگامی و ... آموزش داده شود و پس از پایان داستان به عنوان تکلیف از دانش‌آموزان خواسته شود این کاردستی را درست کنند و بخشی از دیالوگ‌های این شخصیت را که به یاد دارند یا پیام اخلاقی این داستان را با تقلید صدا بیان کنند و فیلم آن را در گروه ارسال نمایند.

در پایه‌های بالاتر میتوان از داستان‌هایی با پایان باز مشابه داستان‌های اخلاقی کبرگ برای نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و برای تمرین دانش اخلاقی کسب شده استفاده نمود یا به حل یک موقعیت اخلاقی به روش حل مساله مبادرت ورزید. استفاده از روش روشن‌سازی طرز تلقی در این زمینه مفید خواهد بود. همچنین میتوان به بررسی شخصیت هریک از افراد حاضر در داستان پرداخت و عملکرد آنان را در یک موقعیت خاص بررسی کرد و پیامدهای رفتار آنان را نوشت و میزان موفقیت و ناکامی شخصیت‌ها را در برخوردهای مختلفی که میتوانستند در یک موقعیت از خود بروز دهند سنجید. اینگونه بررسی همه جانبه ابعاد مختلف یک فعل اخلاقی افراد را وادار به خردورزی میکند تا پیش از عمل خوب بیندیشند و پیامدهای رفتار خود را مورد نظر قرار دهند چرا که لیکونا در زمینه تربیت منش به آموزش مسائل اخلاقی اکتفا نمیکند و معتقد است که باید از طریق تمرین و الگودهی مناسب، این ارزش‌ها جنبه نگرشی پیدا کرده و در فرد نهادینه شوند. منش نیز خود به معنی خلق و خویی است که به صورت عادت در فرد درآمده باشد و برای انجام آن نیازی به تفکر نباشد و افراد ناخودآگاه مطابق آن عمل نمایند. این مساله اهمیت نهادینه سازی ارزش‌ها را نشان



میدهد یعنی صرف ایجاد دانش اخلاقی نمیتوان انتظار انجام عمل اخلاقی شایسته افراد را در موقعیتهای گوناگون داشت چه بسا افرادی که به درستی و نادرستی خیلی از امور آگاهند اما در مقام عمل چندان به دانسته های خود عامل نیستند.

برای نهادینه سازی ارزشها در افراد، در کنار تمرین عملی، لیکونا به مساله الگودهی در تربیت اخلاقی نیز توجه دارد. در این زمینه در وهله اول خود معلم که دانش آموزان در تعامل و ارتباط نزدیک با او هستند باید الگوی مناسبی برای آنها باشد و این مسئله در سنین کودکی که آنها تمایل زیادی به الگوگیری از اطرافیان دارند اهمیت بیشتری پیدا می کند. البته نباید از اسوه های اصلی بشریت یعنی پیامبر و اهل بیت ایشان که گفتار و کردار و رفتارشان عین حق و حقیقت است غفلت نمود و معیار ما باید تلاش برای همانندسازی هرچه بیشتر با ایشان باشد. اشاره به سیره اهل بیت در حین تدریس موضوعات مختلف در قالب داستان، مسابقات و رسانه های جذاب درباره سیره اهل بیت میتواند دانش آموزان را با سیره و سبک زندگی ایشان آشنا نماید.

روشهای مناسب جهت ایجاد رفتار اخلاقی

در زمینه روش های ایجاد رفتار اخلاقی باید زمینه ای را فراهم نمود تا دانش آموزان دانسته های اخلاقی خود را در عمل به کار بگیرند لذا معلم باید تلاش کند موقعیتهای واقعی یا فرضی را برای آنان فراهم کند تا دست به عمل بزنند و با پیامد اعمال خود مواجه شوند.

در این روش امر ونهی جای ندارد و پشتوانه آن حب ذات آدمی است و باید به نشان دادن پیامدهای عمل فرد اکتفا کرد. چرا که هنگامی که فرد ببیند که پیامد عمل او زیان خود او را در پی دارد یا که به سود خود او است، زمینه مناسب برای یافتن انگیزه درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را یافته است. با ظهور این انگیزه درونی، الزام بیرونی جای خود را به الزام درونی می دهد و فرد، خود را از درون ملزم به ترک یا انجام عمل می بیند. (باقری، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

در تدریس برخط هم میتوان چنین موقعیتهایی فراهم کرد در این زمینه احساس مسئولیت در قبال یادگیری خود و انجام تکالیف، بهترین نمونه برای پرورش این بعد اخلاقی است لذا پس از ایجاد شناخت اخلاقی لازم در زمینه مسئولیت پذیری و همچنین تمرین عملی و الگودهی مناسب به دانش آموزان، باید آنان را آزاد گذاشت و میزان مسئولیت پذیری شان را در انجام تکالیف سنجید و همچنین در کنار آن از روش های تشویق و تنبیه نیز استفاده نمود تا هر فرد با نتیجه عمل خود مواجه شده و کم کم الزام درونی لازم را کسب نماید.

البته این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که آموزش اخلاق را نباید تنها به زنگ درس های معارف یا مطالعات اجتماعی یا تفکر و سبک زندگی موكول کرد بلکه در دروس مختلف باید نکات اخلاقی مرتبط با آن را گوشزد کرد. چرا زندگی انسان در همه ابعاد سراسر آزمون و سنجش نحوه عملکرد ماست، از نحوه برخورد ما با کوچکترین مخلوقات خدا گرفته تا ارتباط ما با خالقمان؛ مثلا در درس علوم نحوه برخورد ما با طبیعت و مخلوقات خدا اهمیت پیدا میکند و انسان محیط زیست را امانتی از جانب خدا و در اختیار خود می داند لذا مسائلی مثل حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت به عنوان ارزش تلقی میشوند.

نتیجه گیری و پیشنهاد

شکوفایی استعدادها و ارزشهای والای انسانی مبتنی بر تعلیم و تربیت ساحت های گوناگون آدمی است یکی از این ساحت ها بعد اخلاقی تربیت انسان است و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهایش ناگزیر به ارتباط با دیگر هموعانش است، مساله چگونگی برخورد و تعامل او با دیگران اهمیت پیدا میکند که میتوان این مساله مهم را در ذیل تربیت اخلاقی گنجانند و باید از طریق تربیت اخلاقی به رشد و توسعه فضایل اخلاقی و مهارت های اجتماعی در او همت گماشت. در این میان مکاتب مختلف فلسفی برای تربیت اخلاقی افراد نظریات مختلفی ارائه داده اند که ما از میان آنها نظریه تربیت منش توماس لیکونا که در بین سایر دیدگاه ها متعادل تر بوده و به جنبه و ساحت های مختلف آدمی توجه

داشته و به دیدگاه اسلامی نیز نزدیک است به کار گرفته ایم و بر مبنای آن روش‌های تربیت منش در تدریس برخط را ارائه داده‌ایم. رویکرد تربیت منش در واقع فعالیت و کوششی هدفمند و برنامه‌ریزی شده از سوی عوامل تربیت اخلاقی یعنی مدرسه، خانواده و اجتماع برای ایجاد دانش و نگرش اخلاقی در افراد است به گونه‌ای که در موقعیت‌های مختلف بر مبنای این دانش و شناخت اخلاقی کسب شده عمل نمایند و به شکل خوی و منش پایدار در آنها شود.

برای پیاده‌سازی برنامه تربیت منش در تدریس برخط میتوان از رویکردهای اکتشافی و مشارکتی و روش‌های تدریس گفتگومحور و تعاملی برای بهبود روابط بین فردی از قبیل مهارت‌های کلامی و غیرکلامی در دانش‌آموزان کمک گرفت. استفاده از روش تدریس مسئله‌محور یعنی قرار دادن دانش‌آموزان در یک موقعیت اخلاقی فرضی و بررسی پیامدها و ابعاد مختلف تصمیماتشان در این موقعیت فرضی نیز تمرینی مناسب برای مفهوم‌سازی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها خواهد بود. همچنین میتوان دایره یادگیری مفاهیم اخلاقی را گسترده‌تر کرد و با تامل در پدیده‌های خلقت نیز از آنها درس زندگی و اخلاق آموخت مثل بخشندگی آفتاب و پویایی رودخانه.

برای ایجاد نگرش اخلاقی و نهادینه کردن ارزشها در افراد نیز باید دست به تمرین عملی و الگودهی مناسب زد. برای این کار باید زمینه مناسب برای انجام و تشویق رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان فراهم شود، همچنین برای پرورش بعد رفتار اخلاقی باید زمینه لازم برای مواجهه افراد با نتایج اعمالشان را فراهم کرد زیرا وقتی فرد ببیند که پیامد عمل او زیان یا سود خود او را در پی دارد، انگیزه و الزامی درونی نسبت به ترک یا انجام عمل به دست می‌آورد.

منابع

- ارسطو، ۱۳۸۱. سیاست. ترجمه حمید عنایت. جلد چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸
- آرمند، محمد (۱۳۸۷). طراحی الگوی مطلوب تربیت اخلاقی در دوره متوسطه بر اساس نقد الگوی تربیت منش، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- باقری، خسرو (۱۳۹۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: مدرسه.
- حسینی، سید علی اکبر (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت اسلامی: مبانی، منابع و اصول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دلاور، علی (۱۳۸۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد
- رضایی، مهدی (۱۳۹۱). تأثیر شیوه آموزش ارزشهای دینی بر تربیت منش عفاف در دانش آموزان مبتنی بر دیدگاه منش پروری توماس لیکن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۶، پاییز ۱۱۷، ۱۳۵
- رهنمایی، احمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر مبانی ارزشها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- شاتو، ژان (۱۳۵۵). مریبان بزرگ. ترجمه غلامحسین شکوهی. دانشگاه تهران.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت و مراحل. مشهد: آستان قدس رضوی.
- غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۵). دو رویکرد معاصر در تربیت اخلاقی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- کردان، علیمحمد (۱۳۹۷). سیر آرا تربیتی در غرب، تهران: انتشارات سمت.
- کیانی، معصومه و صادق زاده قمصری، علی رضا (۱۳۹۰). تبیین رویکردهای غالب روش شناختی پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و توصیف روش شناختی رساله های دکتری، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره دوم، صص ۱۱۹-۱۳۲.
- مالک، حسین؛ نایب، خدیجه (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت از منظر ارسطو. فصلنامه تخصصی فلسفه و کلام اسلامی، شماره پنجم، زمستان ۹۰.
- مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، انتشارات امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱.
- میرزاحمدی، محمدحسین (۱۳۸۱). بررسی مقایسه ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و سوم، شماره دو، صص ۲۲۷-۲۰۳.
- نقیب زاده، عبدالحسین (۱۳۹۶). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، چاپ سی و دوم، تهران: طهوری.

وجدانی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۳). بررسی انتقادی سه دیدگاه رایج تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، دوفصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، سال دوم، بهار و تابستان ۹۳، شماره ۲: ۴۳-۶۵

Lickona، Thomas، (۱۹۹۱)، *Educating for Character: How Our Schools Can Teach Respect and Responsibility*. New York، Bantam Books، p. ۲۸۸

Lickona T. (۱۹۹۳). The return of character education, *Education all leadership*, ۳, p ۶-۱۱

